



مشروطه و مشروطه خواهی در

در گفت و گو با دکتر غلامحسین زرگری نژاد
استاد گروه تاریخ دانشگاه تهران

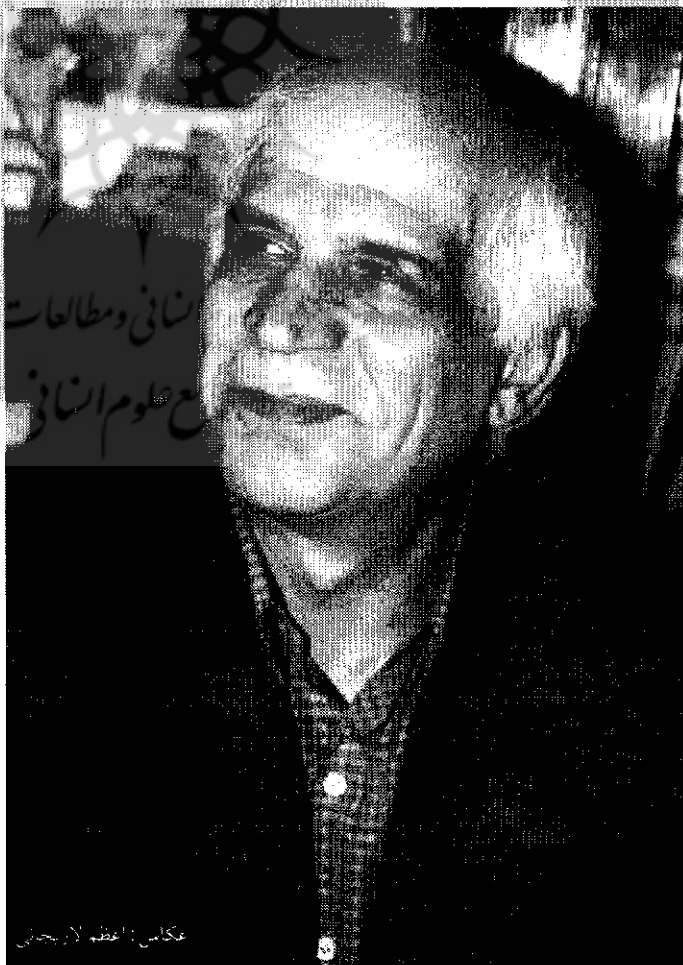
ایران

گفت و گو: مسعود جوادیان

اشاره

دکتر زرگری نژاد برای اهل تاریخ و به ویژه علاقه مندان به مباحث تاریخ معاصر و معلمان تاریخ چهره‌ای شناخته شده است. با توجه به نزدیک شدن به یکصدمین سالگرد نهضت مشروطیت ایران، محور گفت و گو با استاد را همین موضوع قرار دادیم و با توافق ایشان، از پرداختن به مواردی چون شرح زندگانی و سیر فعالیت‌های علمی-آموزشی صرف نظر شد. امیدواریم در آینده به این مقوله نیز بپردازیم.

● جناب دکتر با تشکر از این که مصاحبه را پذیرفتید. شما حتماً در زندگی علمی و آموزشی فرازونشیب‌های زیادی داشته‌اید؛ روزگاری دبیر تاریخ بوده‌اید؛ سوابق مبارزاتی نیز داشته‌اید؛ هم متخصص تاریخ صدر اسلام و هم متخصص تاریخ دوران معاصر ایران هستید؛ و سال‌ها در زمینه‌های گوناگون قلم زده‌اید و کار کرده‌اید. طبعاً در یک نشست نمی‌توان درباره همه این موارد بحث کرد. بنابراین، اگر موافق باشید بحث خود را می‌بریم روی مشروطیت. از قرار معلوم در نظر است در سالی که در پیش رو داریم به مناسبت صدمین



نگاش: اعظم لاریجانی

آسیب‌هایی که دیده‌اند، مراجعه به آن‌ها دشوار است. بنابراین، تحقیق در مورد مشروطیت از طریق روزنامه‌ها، ما و محققان را با مشکل روبه‌رو می‌کند. چنانچه بتوانیم این روزنامه‌ها را تاجایی که ممکن است، منتشر کنیم و در معرض استفاده محققان قرار دهیم، به خدمتی فرهنگی و علمی نائل آمده‌ایم و زمینه‌های مطالعات دقیق‌تر و عالمانه‌تر مشروطه‌خواهی را فراهم آورده‌ایم.

● در صحبت‌هایشان اشاره کردید به چاپ روزنامه‌های زمان مشروطیت و فرمودید که فضای به‌وجودآمده توسط روزنامه‌ها، جدید بوده‌است. فکرنمی‌کنید همین اظهارنظر شما نوهی جهت‌گیری نسبت به مشروطیت است؟
○ بپسند من نمی‌دانم که شما جهت‌گیری را به چه معنا تعبیر می‌کنید.

● اگر کسی بگوید این روزنامه‌ها پیش از منشی اباطیل نبوده‌اند بلکه مطالبی را می‌نوشته‌اند که در جامعه موجب آشوب می‌شده‌است و در آن‌ها به یکدیگر تهمت می‌زده‌اند و جامعه را دچار بی‌نظمی می‌کرده‌اند، شما چه پاسخی دارید؟

○ اگر شما این نظر را دارید که بگویید روزنامه‌ها در دوران مشروطیت یک مشت اباطیل منتشر کرده‌اند، من از شما خواهم خواست که در داوریتان قدری تعدیل کنید و بیش‌تر بررسی کنید. محتوای روزنامه‌ها را یک بار دیگر بخوانید و ببینید، آیا آنچه که در این روزنامه‌ها نوشته شده، اباطیل است یا نه. ممکن است شما بابتد با محتوای این روزنامه‌ها موافق نباشیم، اما روزنامه‌های منتشرشده در آن دوران سند هستند و مراجعه به این اسناد تاریخی برای دیدن یک پدیده، چه ما موافق باشیم و چه نباشیم، ضروری است. من نمی‌پندرم که روزنامه‌های آن دوره منشی اباطیل بوده‌اند و اگر بخواهم تأمل جدی بکنم، خلاف این حرف را می‌گویم. ولی بر فرض محال، اگر این سخن را بپذیریم، به هر حال، این روزنامه‌ها اسناد مربوط به آن دوران هستند و برای مراجعه به آن دوران و شناخت آن دوران، مراجعه به این «باطیل» اجتناب‌ناپذیر است.

● جایعالی در صحبت‌هایتان در مقدمه فرمودید که این کنگره سواهی هر نوع گرایش جایتدارانه، به صورت علمی برگزار خواهد شد. سپس از اهمیت روزنامه‌ها سخن گفتید. من منظور این بود که به نظر می‌رسد، شما از هم‌اکنون نسبت به پدیده مشروطیت جهت‌گیری دارید.

○ من چنین احساسی ندارم. اما هیچ ایرادی نمی‌بینم که چنین

جهت‌گیری ایجاد شود. بنده معتقدم که پدیده مشروطیت یکی از بزرگ‌ترین پدیده‌های تاریخ ایران است. به همت نخبگان دینی و

سیاسی و نیز به همت مردم به وجود آمد و از انگیزه‌های اعتقادی مردم نشأت گرفت. در واقع، یک نظام استبدادی را ویران کرد و تأثیری عمیق بر زندگی‌های ما گذاشت. بخش عمده‌ای از آنچه که اکنون در عرصه تفکر و تعلیمات

اجتماعی و فکری در تاریخ معاصر تا زمان انقلاب اسلامی داریم، تحت تأثیر مشروطیت و تلاش‌های رهبران مشروطه است.

هر نهضتی در کنار زیبایی‌های خودش و فرآورده‌های مستقل خودش، آثار منفی نیز می‌تواند داشته باشد و این اجتناب‌ناپذیر است. شاید بسیاری از نهضت مشروطیت بهره‌بردارانی نادرستی کردند؛ این هم جای تأمل و بررسی دارد. اما این که من جهت‌گیری کردم در چارچوب سختم، به معنای جایتداری از دیدگاه خودم نیست. اگر مرادتان این است که من با جهت‌گیری، به دفاع از مشروطیت و ارزش و اهمیت آن در تاریخ ایران پرداختم، درست است. اما جهت‌گیری به این معنا که آن را پدیده‌ای مطلق و مثبت بدانم که هیچ نقص و کاستی ندارد و کسانی که در این کنگره مقالاتی ارائه می‌دهند، باید به ستایش از مشروطیت پردازند، چنین نیست. بگذارید مقالات کنگره ارائه شوند و آن‌جا داوری کنیم که این بزرگداشت به معنای بررسی علمی و شایسته دانشگاهی کشور ما بوده‌است یا نه.

● متشکرم. به نظر شما، از چه جنبه‌هایی از مشروطیت تا امروز غفلت شده‌است؟

○ تاکنون آثار متعددی راجع به مشروطیت نوشته شده‌است، نظیر کتاب‌های دست‌اولی که در واقع گزارش رخدادهای آن زمان بوده‌اند و اسناد و مدارکی که در همان زمان و کمی بعد از آن منتشر شده‌اند؛ مثل اسناد وزارت خارجه بریتانیا که در قالب کتاب‌های آبی منتشر شده‌اند یا اسناد وزارت خارجه روسیه که در قالب کتاب‌های نارنجی عرضه شده‌اند. با این حال، هنوز آثار فراوانی درباره مشروطیت

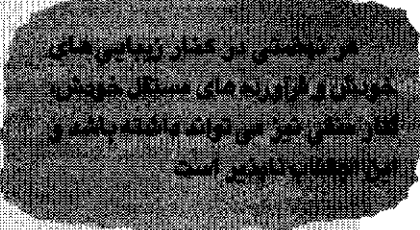
منابع اندیشه سیاسی در تاریخ ایران
کتاب اول

رسائل مشروطیت

(۱۸ رساله و لایحه درباره مشروطیت)

به کوشش دکتر لادن حسن زکری‌ولان

فروردین ۱۳۷۷



وجود دارد که جمع آوری نشده‌اند و به نظر می‌رسد، با وجود معرفت نسبی که نسبت به رویدادهای مشروطیت وجود دارد، اگر بخواهیم به یک معرفت کامل و دقیق برسیم، باید کوشش کنیم که این اسناد و مدارک دقیق‌تر جمع آوری شوند و در دسترس قرارگیرند تا مبنای داوری و رهیافت عالمانه محکم‌تری پیدا کنیم.

● آیا تا به حال از استادان و مؤسسه‌های خارج از کشور هم دعوت کرده‌اید؟

○ یک کمیته علمی پیش‌بینی شده است. در آغاز کار، وقتی مسئولیت به دانشگاه تهران تحویل داده شد، ما کوشش می‌کردیم که ترکیب کمیته علمی ترکیبی باشد از استادان صاحب‌نظر نسبت به مشروطیت و از جنبه‌های فکری، اجتماعی و اقتصادی. به همین دلیل، ترکیب اعضای کمیته را به رشته‌های تاریخ و استادان تاریخ محدود نکردیم و ترکیب پدیدآمد از استادان متخصص در تاریخ، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، اقتصادی، مردم‌شناسی و حتی هنر و ادبیات تا این ترکیب بتواند، هم مقالات متعددی و هم بسترهای متفاوتی را برای بررسی مشروطیت مطرح کند.

با همین نگاه هم از استادان خارجی دعوت شد؛ از اروپا و کشورهای عربی، ترکیه، آمریکا، روسیه و کشورهای تازه استقلال‌یافته که هم استادان متعددی دارند و هم احتمال می‌دادیم، آرشیوهای متنوعی در مورد تاریخ معاصر ایران داشته باشند. بین ۲۰ تا ۳۰ نفر از استادان خارجی در این همایش شرکت خواهند کرد و تماس‌هایی با آن‌ها برقرار شده است و جواب‌های مساعدی هم گرفته‌ایم.

● خود جنابعالی آیا کارهای در حال چاپ دارید؟

○ در چه زمینه‌ای؟

● در زمینه تاریخ ایران به ویژه مشروطیت.

○ تاریخ معاصر یا دوره‌ای آغاز می‌شود که خود آگاهی نسبت به انحطاط آغاز شد و کوشش‌هایی برای اصلاح وضع موجود و نوسازی و ترقی به عمل آمد. پایه‌گذار این رویداد، مکتب تبریز و میرزا بزرگ قائم مقام فراهانی، پسر ابوالقاسم فراهانی است. عباس میرزا نائب السلطنه تحت تأثیر میرزا بزرگ قرار داشت و این‌ها بنیانگذاران مکتب تبریز بودند. از این زمان کوشش‌هایی برای اصلاح و ترقی کشور و نجات آن از بن بست آغاز شد و من مبدأ تاریخ معاصر را از این جا می‌دانم. اگر با این معنا موافق باشید، عرض می‌کنم که روزشماری در مورد تاریخ ایران تدوین شده که در حقیقت مجری طرح آن مؤسسه مطالعات تاریخ است. این کار در ده جلد تنظیم شده که رخدادهای ایران را از سقوط اصفهان بی می‌گیرد.

سقوط اصفهان به این معنا، هم حادثه مهمی است، هم تقریباً دوره قدرت‌گیری فتحعلی خان قاجار که جد اعلای سلاطین قاجار

است و به همین مناسبت، روزشمار از این جا آغاز شده است. کل گزارش‌ها، وقایع و رخدادهای تاریخ، زلزله و خشکسالی و ملیخ، قراردادها و معاهده‌ها، و ... در این مجموعه آمده‌اند. گمان می‌کنم، جلد اول آن به زودی منتشر شود.

● کار اصلی را خودتان انجام داده‌اید؟

○ بله کار اصلی را خود من انجام داده‌ام. البته تعدادی از دوستان و دانشجویان دوره‌های کارشناسی با من همراه بوده‌اند، ولی مسؤلیت کار با من بوده است که در نتیجه، کاستی‌های احتمالی آن نیز متوجه من است.

دیگر این که مسائل افغانستان مسائل بسیار مهمی هستند. در این چند سال اخیر، تحولاتی جدی در افغانستان اتفاق افتاده است و گمان می‌کنم، به رغم پیوندهای وسیع و ریشه‌داری که ما با افغانستان داشته‌ایم، مطالعات افغان‌شناسی در کشور ما در سطح نازلی است و اطلاعات کافی در این باره وجود ندارد.

من کوشیده‌ام، کتاب‌ها و منابع اصلی افغانستان را بیابم. یکی از این کتاب‌ها، کتابی است که منشی جمالی بیه نام احمدشاه نوشته است. منشی جامی مورخ و نویسنده دربار احمدخان درانی، مؤسس افغانستان جدید است. این کتاب به صورت یک نسخه عکسی توسط روس‌ها، سال‌ها پیش از انقلاب اسلامی در تیراژی محدود منتشر شده بود و جاداشت که تصحیح انتقادی شود. من این کتاب را تصحیح کردم و احتمالاً توسط انتشارات دانشگاه تهران منتشر خواهد شد.

همچنین، علاقه اصلی من، تکرر سیاسی در عرصه تاریخ بوده است. در کنار اشتغالات دیگر، همواره در این باره به تحقیق و

مقدمه

است ایران به عنوان بازگشایی کلاس‌های درسی، در دوره مشروطیت، خصوصاً عهد شاه عباس اول آشکار گردید. به دنبال تحولات عدالت‌خواهانه فکری و در شرایطی که برای نخستین بار کلاس‌های مدرسه‌ای در تهران و سایر نقاط کشور برپا گردیدند، در این باره رویدادهای بسیاری رخ داد. در سال ۱۲۰۴ ق. به ارتزاق‌نشینان و سایر اشراف و اعیان‌داران که در این باره به تازگی به تهران مهاجرت کرده بودند، اعلام شد که در این باره کلاس‌های مدرسه‌ای در تهران برپا خواهد شد. این کلاس‌ها در ابتدا در مدرسه «مدرسه علمیه» در تهران برپا گردیدند و در این باره رویدادهای بسیاری رخ داد. در سال ۱۲۰۴ ق. به ارتزاق‌نشینان و سایر اشراف و اعیان‌داران که در این باره به تازگی به تهران مهاجرت کرده بودند، اعلام شد که در این باره کلاس‌های مدرسه‌ای در تهران برپا خواهد شد. این کلاس‌ها در ابتدا در مدرسه «مدرسه علمیه» در تهران برپا گردیدند و در این باره رویدادهای بسیاری رخ داد.

تاریخ معاصر یا دوره‌ای آغاز شد و کوشش‌هایی برای اصلاح وضع موجود و نوسازی و ترقی به عمل آمد. پایه‌گذار این رویداد، مکتب تبریز و میرزا بزرگ قائم مقام فراهانی، پسر ابوالقاسم فراهانی است.

تأمل پرداخته ام. رساله های متعددی را پیدا کرده ام که به شناخت دقیق فکری آن دوران کمک می کند و امیدوارم آن ها را منتشر کنم. یک جلد از آن ها به نام «رسائل مشروطیت» منتشر شده است و جلد دوم آن آماده انتشار است. دو مجموعه هم به نام «رساله های سیاسی دوره قاجار» آماده کرده ام که امیدوارم به زودی منتشر شود.

● جناب دکتر، در جریان مشروطیت، ابتدا می بینیم که صحبت در مورد عدالتخانه است، اما کم کم زمره های جنبش شروع می شود و بحث می آید روی مشروطیت. این روند چگونه شکل گرفت؟ عدالتخانه از کی شروع شد و کی به مشروطه خواهی تبدیل گشت؟ به نظر شما بیش تر کسانی که در این دوره ادعای مشروطه خواهی می کردند، در عمل و نظر با مشروطیت چه قدر آشنا بودند؟

○ من دوست داشتم در شرایطی دیگر و با فرصت کافی به این موضوع می پرداختم، نه در یک گفت و گوی محدود. اما ناچار به اختصار نکاتی را عرض می کنم. فکری که این نگاه شما از یک سلسله آثار ژورنالیستی، نه کارهای آگاهانه و تحقیقی سرچشمه گرفته است. اگر ما روی مشروطیت تأمل جدی داشته باشیم، مطالب را طور دیگری خواهیم دید.

چنین تصور شده است که قانون نگری و توجه به قانون در ایران نداشته ایم و آمدیم مشروطیت را خلق کردیم و از دل یک نگاه سطحی و عجولانه و شتابزده و با اشاره خارجی ها، قانون اساسی را پدید آوردیم. در حالی که اگر به سیر تحولات نوحواهی و اصلاح طلبی و ترقی خواهی - که گفتم از عصر میرزای بزرگ شروع شد و به خصوص از دوره امیرکبیر، که او هم یکی از برجسته ترین افراد آن مکتب است - نگاه کنیم، می بینیم که توجه و تلاش برای ایجاد یک نظم قانونی جزو برنامه های جدی امیرکبیر بود. آمل و اندیشه اصلی امیرکبیر این بود که حکومتی مقتدر و مبتنی بر قانون یا دولت منظم قانونی پدید آورد او بسترهای عملی آن را فراهم ساخت و دستورالعمل آن را صادر کرد. البته عمر دولت امیرکبیر کفاف نداد تا آنچه را که اجرا می کرد، به صورت مدون درآورد.

امیرکبیر به دستور ناصرالدین شاه یا تحریک عمده خلوت و با تحریک امثال میرزا آقاخان نوری به قتل رسید. ناصرالدین شاه دوران استبداد و سیاهکاری میرزا آقاخان را تحمل کرد و بالاخره در ۱۲۷۵ ق فرمان عزل میرزا آقاخان را صادر کرد و در فرمان عزل اشاره کرد که شما کشور را به تنهایی اداره کرده اید و این باعث بروز آسیب ها و مشکلاتی در امر کشورداری شد. او میرزا آقاخان را برداشت و برگشت به اندیشه های امیرکبیر. در واقع ناصرالدین شاه متوجه شد که میرزا آقاخان نوری و عناصری که وی را به قتل امیرکبیر تحریک کردند، در واقع فرزانه برجسته ای را از دستگاه دولت حذف کردند و اکنون که امیر نیست، باید برنامه های امیر دوباره برگردد.

ارادت می که ناصرالدین شاه به امیرکبیر داشت و پشتیبانی که پیدا کرده بود، باعث شد که خودش افکار امیر را پیاده کند. در سال ۱۳۷۵ ق یعنی بلافاصله بعد از عزل میرزا آقاخان نوری، به جای نصب یک صدراعظم، یک برنامه جدی به نام ایجاد «شورای دولت» را دنبال کرد و شش وزارتخانه را پایه گذاری کرد؛ نهادی به نام شورای دولت که بنیاد ترکیب کابینه های بعدی را فراهم آورد. این شورا و شش وزیر تصمیم گرفتند، برنامه ای بنویسند، برای اداره دولت. یک سال بعد، مجلسی به نام مجلس قانونگذار و «مجلس مصلحت خانه» را ایجاد کرد. این مجموعه موظف بودند، قانونی برای اداره کشور بنویسند. مجلس مصلحت خانه بعدها توسعه پیدا کرد و بعد از این که سه سال متکفل امور کشور شد، به نام «دارالشورای کبر» به حیات خود ادامه داد و متن های متعدد قانونی را نوشت.

من در این شماره اخیر مجله «تاریخ معاصر» یک متن از قانون اساسی را عرضه کرده ام و چاپ خواهد شد. اگر مطالعه کنید، مشاهده خواهید کرد که قانون اساسی مدون به وسیله ۱۵ وزارتخانه بین سال های ۱۲۹۹ - ۱۲۸۷ تصویب شده است؛ یعنی دقیقاً ۲۵ سال پیش از قانون اساسی مشروطیت. بنابراین، نهادهایی به نام نهادهای قانونگذاری در کشور ما وجود داشتند. رساله های متعددی در مورد قانون در این دوره نوشته شد. حداقل ما ۱۲۰ رساله سیاسی داریم که در زمینه های گوناگون در این دوره نوشته شده اند، و هیچ کدام هم چاپ و عرضه نشده اند. وقتی به مجموعه این رساله ها توجه کنیم، می بینیم که یک میراث قانون نویسی از آغاز دوره اجتهادی تا دوره مشروطیت وجود دارد. این قانون اساسی مشروطیت، گرچه به صورت اجتناب ناپذیری از قوانین کشورهای اروپایی الهام گرفته شده است، اما در حقیقت از یک میراث داخلی هم سرچشمه می گیرد و به صورت دفعی و به یکباره به وجود نیامده است.

اما بحث عدالتخانه. در بررسی بحث مشروطیت باید دو مسأله را مورد بررسی قرار دهیم: یکی حرکت ضد استبدادی مردم ایران علیه حکومت خودکامه قاجاریه بر بنیاد ریشه های متعدد فکری و اقتصادی، اجتماعی، این نهضت حداقل از «رژمی» شروع می شود؛ یعنی ستیز علیه استبداد و استعمار حامی استبداد از رژمی به بعد شروع می شود و علمای بزرگ و برجسته، روشنفکران دردمند کشور، مردم، اصناف و بازاریان با هم همکاری دارند، برای لگام زدن به نظام استبداد مطلقه. تلاش های آشکار و پنهان در سال های آتی و حکومت مظفرالدین شاه در دوره صدارت حسین الدوله به نتیجه جدی تری می رسد و عوامل متعددی، واکنش های درونی و حرکت های شکل گرفته از بطن جامعه را آشکار می کند و مبارزات ضد استبدادی، در قالب مهاجرت صغرا و بعد در قالب مهاجرت

کارهایی انجام خواهید داد؟

○ این جلد اول تاریخ اسلام که منتشر شد، براساس کار مفصلی است. اگر خود کتاب را ملاحظه کنید، می بینید که این بخش مقدمات کار، یعنی بخش های مقدماتی و جغرافیایی شبه جزیره عربستان مفصل است. بعد بررسی تاریخ اسلام در عصر مکی می آید که آن هم بسیار مفصل است، ولی به دوره مدنی که می رسد، فشرده می شود و حکایت از این دارد که من وقتی مطلب را تنظیم می کردم، به فکر این نبودم که کتاب درسی در مورد تاریخ اسلام منتشر

کنم. یک کار آزاد نوشتم و آن را خلاصه کردم و هرچه جلوتر رفتم، دیدم باید بیش تر خلاصه کنم تا کار محدودتر شود.

جلد دوم کتاب «عصر خلافت» نام دارد، که به دلایلی هنوز آن را منتشر نکرده ام. جلد سوم و چهارم را هم طراحی کرده ام. جلد سوم «عصر امامت» نام دارد و جلد چهارم به نام «عصر سلطنت و امارت» است که دوره اموی و بخش اول عباسی را شامل می شود. ● نکته دیگر درباره تدریس مشروطیت است. شما چه صحبت هایی برای همکاران ما در مورد این درس دارید؟ دوستان ما مشروطیت را چگونه تدریس کنند که دانش آموزان از آن تصور واقعی به دست آورند؟

○ من کم تر از آن هستم که به همکاران آموزش و پرورش که برخی از آن ها حکم استادی را برای من دارند، توصیه کنم، ولی اگر شما پیروید، در مورد مشروطیت چه می گویم، خواهام گفت که به جای ورود به بحث های جنجالی مشروطیت، به جای جانبداری یا مخالفت، سعی خواهام کرد که درباره بسترهای شکل گیری مشروطیت و دستاوردهای مشروطیت گفت و گو کنم و از وارد کردن کلاس به نفي و اثبات این و آن اجتناب کنم. من گمان می کنم که دانش آموزان ما در بحث تاریخ، نیاز دارند که به معرفت در بنیان های تحولات برسند، نه این که به جزئیات بپردازند. همچنین آن ها را نباید مجبور به حفظ مطالب کنند.

● به عنوان آخرین سؤال؛ مخبر السلطنه هدایت کتابش را با این جمله تمام می کند که: ۸۰ سال به آرزو روزگار گذرانیدیم و انتظار روز بهتر کشیدیم و هر روز را از روز دیگر بدتر دیدیم. نظر شما در مورد کسی که خودش روزگار ۶ پادشاه را دیده و در پایان چنین حرفی را می زند، چیست؟

○ اگر منظور این باشد که در ایام مخبر السلطنه، کشور روز به روز به سوی انحطاط پیش رفته است، یعنی در عصر ناصرالدین شاه و

مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه و بعد رضاشاه، هر دوره بدتر از دوره قبلی بوده است، من می توانم بگویم که درست گفته است. ایام رضاشاه قطعاً ایام بدتری بوده است. بنابراین مخبر السلطنه حق دارد. رضاشاه مجلس را به تعبیری به یک طویلله تشبیه کرده و گفته بود اگر بیش از حد حرف بزنند و ایراد بگیرند، دستور خواهام داد در آن طویلله را ببندند. ولی اگر سخن او را به عنوان یک نظریه تاریخی این طور تعبیر کنیم که روند تحولات تاریخی روندی انحطاطی داشته، حرف صحیحی نیست. تاریخ ایران و روند تاریخ بشر روی فکر و تأمل بوده است.

● از این که حوصله کردید و این گفت و گو را پذیرفتید، سپاسگزارم. ○ اگر اجازه بدهید و فرصت باشد نکه ای را اضافه کنم. متأسفم از این که با تعدادی از دانشجویان در ژیتیه ها ورشته های مختلف

مواجه می شوم که به درس تاریخ علاقه ای نشان نمی دهند و حتی نسبت به درس تاریخ و فراگیری آن نوعی حالت جبهه گیری و واژدگی دارند. گمان می کنم که برای این منظور باید همه ما چاره ای بیابیم.

تاریخ، صرف نظر از مسائل جزئی و مصادیقی آن، شناسنامه و هویت ماست. ما بدون تاریخمان، بدون هویت هستیم. ما تاریخی کهن داریم. دانش آموزان ما از طریق کتاب های درسی و معلمان درسی و مؤلفان درسی باید بیاموزند که دارای هویت دیرینه و ریشه ای هستند. به این هویت بیالند، نه این که از آن بگریزند.

● دلایل این گریز را چه می دانید؟

○ من فکر می کنم کم اقبالی و کم انتقادی آموزش و پرورش نسبت به دبیران تاریخ، کمبود امکانات آموزشی و تاجدی محتوای کتاب های درسی، و بعد هم تدریس توسط دبیران غیرمتخصص عامل این امر است.

● منظورتان از محتوای کتاب درسی چیست؟

○ تنظیم محتوا به گونه ای که در متن نام ها، گزارش ها و داده های توصیفی فراوان هستند و تحلیل اندک. این باعث می شود که دبیران با توجه به شرایط امتحان، دانش آموزان را محکوم کنند به حفظ آنچه به عنوان اطلاعات در کتاب آمده است، نه فهمیدن و فراگرفتن آنچه که مورد نظر مؤلف بوده است. خود من مدت های مفیدی با فرزندانم در مورد تاریخ مشکل داشتم؛ چون می گفتند باید عیناً این متن تاریخی را حفظ کنیم. حفظ کردن خدای آفرین کار در قلمرو تاریخ است. هدف از تاریخ رسیدن به معرفت است، نه حفظ کردن.

● مجدداً از این که در این گفت و گو شرکت کردید، سپاسگزارم و برایتان آرزوی سلامتی و موفقیت دارم.



تاریخ مشروطیت
(معمربود)

دوره دوم